



Islamic Maaref University


Scientific Journal
**The History of Islamic Culture
And Civilization**

Vol. 16, Autumn 2025, No. 60

**Analysis of Intertextual Relations between Nasir Khosrow's
Ghadiriyeh Ode With the Texts of Imam Ali's Succession**

Farishte Sadat Aghili Tekiye ¹ \ Ghaffar Borj Saz ² \ Rasool Muhammad Jafari ³

1. MA in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.
fereshtehaghili1979@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature,
Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.
borjsaz@shahed.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences,
Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.
r.mjafari@shahed.ac.ir

| Abstract Info | Abstract |
|---|--|
| Article Type: Research Article | Throughout the history of Islam, poets have been inspired by religious texts and used them in their poems, establishing intertextual relations. The succession of Imam Ali after the Prophet (PBUH) has always been the focus of poets' attention. Naser Khosrow has reflected it in his poems. The present study, using a descriptive-analytical method, has analyzed the intertextual relationships of Naser Khosrow's Ghadiriyyeh ode with the following: "O wise and skilled and awake and insightful" with the texts of the successors of Imam Ali. The results showed that the main intertextual relationships in Naser Khosrow's ode are allusive intertextuality and to some extent lexical intertextuality has also been used. The poet has expressed the superiority and succession of Imam Ali and the reasons for it through similes and allusions, and in terms of tools and methods of persuasive expression in his ode, he has used the method of citing evidence and proofs and using techniques that prepare the listener to accept the matter. |
|  | |
| Received: 2025/04/23 Accepted: 2025/09/23 | |
| Keywords | Succession of Imam Ali, Nasir Khosrow, Ghadiriyyeh. intertextual relations, allusive intertextuality, lexical intertextuality. |
| Cite this article: | Aghili Tekiye, Farishte Sadat, Ghaffar Borj Saz & Rasool Muhammad Jafari (2025). Analysis of Intertextual Relations between Nasir Khosrow's Ghadiriyyeh Ode With the Texts of Imam Ali's Succession. <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 16 (3). 143-170. DOI: 10.22034/16.60.143 |
| DOI: | https://doi.org/10.22034/16.60.143 |
| Publisher: | Islamic Maaref University, Qom, Iran. |

تحليل الصلات ما بين النصوص لقصيدة ناصر خسرو الغديرية مع نصوص خلافة الامام علي عليه السلام

فرشته سادات عقيلي تكيه^١ / غفار برج ساز^٢ / رسول محمد جعفري^٣

١. ماجستير لغة و ادب فارسي، كلية العلوم الانسانية، جامعة شاهد، طهران، ايران.

fereshtehaghili1979@gmail.com

٢. استاذ مساعد فرع اللغة و الادب الفارسي، كلية العلوم الانسانية، جامعة شاهد، طهران، ايران (الكاتب المسؤول).

borjsaz@shahed.ac.ir

٣. استاذ مرادف فرع علوم القرآن و الحديث، كلية العلوم الانسانية، جامعة شاهد، طهران، ايران، و مدرس دروس معارف اسلامية.

r.mjafari@shahed.ac.ir

| معلومات المادة | ملخص البحث |
|-------------------------------|---|
| نوع المقال: بحث | طوال تاريخ الاسلام استلهم الكثير من الشعراء من النصوص الدينية و استخدموها في أشعارهم و اقاموا الصلات ما بين النصوص. خلافة الامام علي <small>عليه السلام</small> بعد النبي <small>صلى الله عليه و آله و سلم</small> كان دما في بؤرة اهتمام الشعراء. عكس ناصر خسرو ذلك في اشعاره. البحث الحاضر بأسلوب وصفي تحليلي يقوم بتحليل الصلات ما بين النصوص في قصيدة ناصر خسرو الغديرية و هي بمطلع: «اي العاقل و الفنان و اليقظ و البصير» مع نصوص خلافة الامام علي <small>عليه السلام</small> . النتائج تشير الي ان غالب الصلات ما بين النصوص في قصيده ناصر خسرو كانت ما بين نصوص تلميحية و الي حد ما ايضا ما بين النصوص المستخدمة للمفردات. بادر الشاعر بالتشبيه و التلميح لافضلية و خلافة الامام علي <small>عليه السلام</small> و اسبابها، و من منظور الالات و اساليب بيان الاقتناع في قصيدته، استفاده من الاعماد علي المصادر و الشواهد و الانماط التي تعد السامع لقبول المطالب. |
| تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/١٠/٢٥ | |
| تاريخ القبول: ١٤٤٧/٠٣/٢٩ | |
| الألفاظ المفتاحية | خلافة الامام علي <small>عليه السلام</small> ، ناصر خسرو، القصيدة الغديرية، الصلات ما بين النصوص، ما بين النصوص التلميحية، ما بين النصوص الكلامية. |
| الاقتباس: | عقيلي تكيه، فرشته سادات، غفار برج ساز و رسول محمد جعفري (١٤٤٧). تحليل الصلات ما بين النصوص لقصيدة ناصر خسرو الغديرية مع نصوص خلافة الامام علي <small>عليه السلام</small> . مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. |
| رمز DOI: | DOI: 10.22034/16.60.143 .١٤٣ - ١٧٠ .(٣) ١٦ |
| الناشر: | https://doi.org/10.22034/16.60.143 جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران. |



دانشگاه معارف اسلامی

نشریه علمی

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۶، پاییز ۱۴۰۴، شماره ۶۰

تحلیل روابط بینامتنی قصیده غدیریه ناصر خسرو

با نصوص جانشینی امام علی علیه السلام

فرشته سادات عقیلی تکیه^۱ / غفار برج ساز^۲ / رسول محمد جعفری^۳

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

fereshtehaghili1979@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

borjsaz@shahed.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. و مدرس دروس معارف اسلامی.

r.mjafari@shahed.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|----------------------------------|--|
| نوع مقاله: پژوهشی (۱۷۰ - ۱۴۳) | در طول تاریخ اسلام شاعران، فراوان از متون دینی الهام گرفته و در اشعار خود به کار برده و رابطه بینامتنیت برقرار کرده‌اند. جانشینی امام علی <small>علیه السلام</small> پس از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> همواره در کانون توجه شاعران قرار داشته است. ناصر خسرو در اشعار خود آن را انعکاس داده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی به تحلیل روابط بینامتنی قصیده غدیریه ناصر خسرو با مطلع: «ای خردمند و هنر پیشه و بیدار و بصیر» با نصوص جانشینی امام علی <small>علیه السلام</small> پرداخته است. نتایج نشان داد که عمده روابط بینامتنی در قصیده ناصر خسرو بینامتنیت اشاره‌ای بوده و تا حدودی نیز بینامتنیت واژگانی به کار رفته است. شاعر برتری و جانشینی امام علی <small>علیه السلام</small> و دلایل آن را با تشبیه و تلمیح بیان کرده و از نظر ابزارها و شیوه‌های بیان اقناعی در قصیده خود از شیوه استناد به مدارک و شواهد و استفاده از شگردهایی که شنونده را جهت پذیرش مطلب آماده کند، بهره گرفته است. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ | جانشینی امام علی <small>علیه السلام</small> ، ناصر خسرو، قصیده غدیریه، روابط بینامتنی، بینامتنیت اشاره‌ای، بینامتنیت واژگانی. |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲ | |
| واژگان کلیدی | |
| استناد: | عقیلی تکیه، فرشته سادات، غفار برج ساز و رسول محمد جعفری (۱۴۰۴). تحلیل روابط بینامتنی قصیده غدیریه ناصر خسرو با نصوص جانشینی امام علی <small>علیه السلام</small> . تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. ۱۶ (۳). ۱۷۰ - ۱۴۳. |
| کد DOI: | DOI: 10.22034/16.60.143 https://doi.org/10.22034/16.60.143 |
| ناشر: | دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. |

طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین اصول نقد منابع بررسی رابطه تأثیر و تأثیری آثار گوناگون و اثر مورد مطالعه است. به همین دلیل، منتقد می‌کوشد به شکل‌های گوناگون درباره تأثیراتی که مؤلف از دیگر مؤلفان یا آثار پذیرفته است وقوف پیدا کند.^۱ بینامتنیت ارتباط میان دو متن بر اساس هم‌حضور است. به بیان دیگر، هر زمان قسمتی از یک متن (متن ۱) در متن دیگری (متن ۲) وجود داشته باشد، رابطه میان این دو متن رابطه بینامتنیت نامیده می‌شود.^۲ بینامتنیت به رابطه‌های گوناگونی اشاره دارد که متون را از لحاظ صورت و مضمون به هم پیوند می‌دهند. هر متنی در نسبت با متون دیگر وجود دارد. ارتباط یک متن با متون دیگر از ارتباط آن با پدیدآورنده‌اش بیشتر است. متون بافت‌ها و سیاق‌هایی را فراهم می‌آورند که درون آنها می‌توان متون دیگر را خلق و تفسیر کرد. اساساً همه جملات و متن‌ها ارتباط بینامتنی دارند؛ یعنی یا به متنی که قبلاً تولید شده ارجاع می‌دهند یا بخشی از متنی را که قبلاً تولید شده است درون خود دارند.^۳

این تعریف از بینامتنیت که معتقد است هر متنی برگرفته از بسیاری متون دیگر است دو اصطلاح متن حاضر و متن غایب (پنهان) را وارد مباحث بینامتنی کرد. متن موجود را متن حاضر و متونی را که با متون کنونی تعامل داشته باشند متن غایب نامیده‌اند.^۴ نظریه بینامتنی به انواع متعددی تقسیم شده و این تقسیم‌بندی‌ها بر اساس چگونگی و شکل کاربرد آن در متون مختلف با هم متفاوت است.^۵

بینامتنیت در گفتمان قدیم عربی با نام‌هایی مانند تضمین، اقتباس، معارضات و سرقت‌های ادبی وجود داشته است.^۶ برخی معتقدند بینامتنیت را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: بینامتنیت غیرمستقیم و بینامتنیت مستقیم. بینامتنیت مستقیم مانند سرقت، اقتباس، تضمین، اخذ و بینامتنیت غیرمستقیم مانند مجاز، تلمیح، کنایه، تلویح و رمز.^۷ از جهت فنی و هنری، رابطه بینامتنی انواعی دارد که از جمله آنها عبارت‌اند از: ۱. بینامتنیت کامل متنی؛ ۲. بینامتنیت کامل تعدیلی؛ ۳. بینامتنیت اشاره‌ای (تلمیحی).^۸ در رابطه بینامتنیت کامل متنی، تکیه

۱. نامور مطلق، *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*، ص ۳۳.

۲. نامور مطلق، «تأملی بر نظریه بینامتنیت رولان بارت»، *روزنامه ایران*، ش ۳۷۶۰، ص ۸۷.

۳. شکرانی، مطیع و فانی، «گفتمان کاوی و کاربست آن در متون روایی»، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، ۲ (۲)، ص ۱۰۰ - ۷۱.

۴. مسبوق و بیات، «روابط بینامتنی قرآن با نامه سی‌ویکم نهج البلاغه»، *فصلنامه مشکوة*، ش ۱۱۴، ص ۴۳ - ۲۷.

۵. ستوده‌نیا و محققیان، «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه»، *فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۵ (۱)، ص ۳۶ - ۲۱.

۶. رضایی و خرمی، «بینامتنی قرآنی در اشعار سفیان بن مصعب عبیدی»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ۴۹ (۲)، ص ۲۶۸ - ۲۵۱.

۷. مختاری و شائقی، «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر سید حمیری»، *فصلنامه لسان مبین*، ۲ (۲)، ص ۲۱۵ - ۱۹۷.

۸. حبیبی، «بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلی و قرآن کریم»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، ش ۴، ص ۶۱ - ۲۷.

بر متن کامل و مستقل است و دقیقاً همان متن اصلی بدون افزایش یا کم و کاست در سیاق اولیه و اصلی اش توسط آفریننده این متن (پسامتن) به کار می‌رود؛ خواه این متن یک بیت باشد یا یک مصرع یا یک قصیده یا جمله نثری.^۱ در بینامتنیت کامل تعدیلی، شاعر به متنی مستقل و کامل (خواه یک مصرع یا بیت یا یک قصیده یا عبارت نثری) تکیه دارد. او این متن را از سیاقش جدا می‌کند و بعد از اعمال برخی ساختار شکنی‌های ساده یا پیچیده، همچون کم و زیاد کردن، تقدیم و تأخیر اجزاء، تغییر زمان و صیغه افعال، تبدیل جملات انشایی به خبری و برعکس، آن متن را در بافت متن شعر خود می‌نهد و از آن در جهت بیان اندیشه شعری جدید بهره می‌برد.^۲ در بینامتنیت اشاره‌ای، شاعر به ذکر یک یا چند نشانه در کلام که خواننده را به متن غایب رهنمون سازد اکتفا می‌کند و با الفاظی اندک معانی بسیاری را به ذهن خواننده می‌رساند.^۳

در گستره تاریخ اسلام، شاعران بسیاری با تأثر از متون دینی، به بازآفرینی مضامین و مفاهیم آن‌ها در آثار شعری خود پرداخته و از این رهگذر، شبکه‌ای از روابط بینامتنی میان شعر و متون دینی پدید آورده‌اند. نظر به اهمیت مسئله جانشینی امام علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جایگاه آن در شعر فارسی و به‌رغم اینکه اظهار تشیع و علاقه به اهل بیت علیهم السلام در طول قرن‌های گذشته با وجود برخی حاکمان و حکومت‌های متعصب امری دشوار و خطرآفرین بوده است، شعرای بسیاری ارادت خود به اهل بیت علیهم السلام را با استناد به وقایع تاریخی، آیات و روایات اثبات کرده و بدین‌گونه شعر را وسیله تبلیغ مذهب و باورهای خود قرار داده‌اند؛ حتی برخی شاعران از اظهار بر اعتقاد صرف فراتر رفته و مخاطبان را به مذهب شیعه دعوت کرده‌اند. این اظهار و دعوت گاه در قالب اثبات امامت ائمه علیهم السلام، گاه با ستایش ائمه علیهم السلام و به‌خصوص مدح امام علی علیه السلام و زمانی همراه با خطاب و عتاب به اهل زمانه و گاه به صورت منقبت‌خوانی بوده است. ناصر خسرو از شعرای پارسی‌زبان است که توجه ویژه‌ای به این مهم در اشعار خود داشته است. وی در مقام مشهورترین شاعر تعلیمی قرن پنجم کوشیده است در قصاید خود از امکانات گوناگون خطابه و شعر همچون ابزاری برای انتقال و اشاعه عقاید و تأثیرگذاری بر اندیشه و برانگیختن عواطف و اقناع مخاطب خود و در نتیجه اصلاح جامعه بهره گیرد. همچنین به نظر می‌رسد این بهره‌مندی در مسئله جانشینی امام علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وظیفه شرعی برای تبلیغ باشد. بنابراین، این پژوهش با روش توصیفی —

۱. شاهرخی شهرکی، بیگزاده و صادقی، «خوانش رابطه بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم»، فصلنامه بنیاد

بین‌المللی فرهنگی - هنری امام رضا علیه السلام، ۵ (۱۸)، ص ۱۴۴ - ۱۱۷.

۲. تقوایی کارمزدی، تحلیل سطوح بینامتنی در مجموعه‌های گوشواره عرش و خواب ارغوانی علی موسوی گرمارودی.

۳. حبیبی، «بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلی و قرآن کریم»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ش ۴،

تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال برآمده که تحلیل روابط بینامتنی قصیده غدیریه ناصر خسرو با مطلع «ای خردمند و هنرپیشه و بیدار و بصیر / کیست از خلق به نزدیک تو هوشیار و خطیر؟» با نصوص جانشینی امام علی علیه السلام چگونه است؟

جانشینی امیر مؤمنان علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام از موضوعات اساسی و مهم تاریخ اسلام و تشیع است. به دلیل اهمیت آن، همواره مورد توجه صاحبان دانش و اندیشه، از جمله شاعران فارسی‌زبان، با هدف معرفی و تبیین این مسئله مهم بوده است. بی‌گمان موضوع جانشینی امیر مؤمنان علیه السلام این ظرفیت را دارد که با رویکرد مطالعات ادبی، سیاسی، دینی و اجتماعی، کانون توجه پژوهشگران حوزه‌های گوناگون قرار گیرد و با نظریه‌های گوناگون هر یک از این حوزه‌ها بررسی و تحلیل شود. نظریه بینامتنیت می‌تواند زمینه بازخوانی جدیدی از متن‌های حاضری که متن پنهان و غایب آنها مسائل مرتبط با جانشینی است فراهم سازد تا از این رهگذر انواع روابط بینامتنی آنها پدیدار شود و درک عمیق‌تری از این متون و روابط آنها به دست آید.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی چند درباره خطبه غدیر و بررسی تطبیقی میان برخی غدیریه‌های فارسی صورت گرفته است؛ از جمله در مقاله «تحلیل روابط بینامتنی فهم و فضل در خطبه غدیر و غدیریه کسای مروزی»، نویسندگان به تحلیل روابط بینامتنی دو واژه فهم و فضل در خطبه غدیر و غدیریه کسای مروزی پرداخته‌اند.^۱ اهمیت این پژوهش و رابطه آن با این مقاله پیش‌گامی کسای در غدیریه‌سرایی است. گفته شده که کسای مروزی پیرو رودکی و پیشرو ناصر خسرو بوده است.^۲ لذا مقاله مذکور الگویی برای این مقاله است. در عین حال، تنها دو کلیدواژه را بررسی کرده است و جامعیت را ندارد. تفاوت این پژوهش بررسی یک قصیده کامل، فراتر از موضوع غدیر و شاعری متفاوت با کسای و متأثر از وی است.

در مقاله «تحلیل روابط بینامتنی مضامین و مؤلفه‌های پایداری در غدیریه قوامی رازی و خطبه غدیر»، نویسندگان بر این باور بوده‌اند که قوامی رازی، شاعر قرن ششم، در سرودن غدیریه خود با توجه به مؤلفه‌ها و بن‌مایه‌های ادب پایداری با خطبه غدیر روابط بینامتنی مختلف مضمونی، واژگانی، سبکی و گزاره‌ای برقرار کرده است.^۳ این پژوهش اولاً بر پایه غدیریه قوامی رازی سامان یافته و ثانیاً بر محور

۱. عقیلی تکیه و برج‌ساز، «تحلیل روابط بینامتنی مضامین و مؤلفه‌های پایداری در غدیریه قوامی رازی و خطبه غدیر»،

مجله ادبیات دفاع مقدس، ۴ (۷)، ص ۱۰۰ - ۸۷.

۲. ریاحی، «کسای مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۳۰۰ و ۳۰۱، ص ۲۲۵ - ۲۱۰.

۳. عقیلی تکیه، برج‌ساز و محمدجعفری، «تحلیل روابط بینامتنی فهم و فضل در خطبه غدیر و غدیریه کسای مروزی»،

مجله پژوهش دینی، ۲۲ (۴۶)، ص ۲۰۴ - ۱۸۳.

ادب پایداری صورت گرفته است. از این رو، با پژوهش ما متفاوت است.

در مقاله «بررسی وصایتمندی در خطبه غدیر از دیدگاه الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف»، نویسندگان با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف، شیوه‌های تحلیل گفتمان و از جمله بینامتنیت آشکار و نهان، بیناگفتمانگی، و بازایتمندسازی، بیش و کم مضمون اصلی خطبه غدیر را، که وصایت و جانشینی امام علی علیه السلام است، نشان داده است.^۱ تمرکز این پژوهش مقوله وصایت در خطابه با استفاده از تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف بوده، در حالی که پژوهش فعلی مقایسه دو متن و اثرپذیری ناصر خسرو از روایات و گزارش‌های تاریخی در ابعاد گوناگون جانشینی امام علی علیه السلام است.

در مقاله «تحلیل خطبه غدیر به شیوه تحلیل خطابه ادبی»، نویسندگان خطبه غدیر را با استفاده از روش تحلیل گفتمان ادبی تحلیل کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده که هدف پیامبر صلی الله علیه و آله از خطبه، جذب مخاطب، تأثیرگذاری در او و متقاعد کردن درباره موضوع خطابه است. لذا از ابزارهای مختلف الفاظ، آوا، سبک و محتوا بهره گرفته‌اند. همین امر باعث شده است خطبه غدیر با تمام شایستگی‌های ادبی موجود در آن و ویژگی‌های زیبای هنری در بلندترین جایگاه نثر فنی جای گیرد.^۲ این تحقیق نیز بر تحلیل خطبه غدیر تمرکز داشته و بررسی بینامتنی در آن صورت نگرفته است.

بنابر آنچه گذشت، با وجود پژوهش‌های مختلف در زمینه خطبه غدیر، تحقیقی که به مقوله تحلیل روابط بینامتنی جانشینی امام علی علیه السلام و این قصیده ناصر خسرو پرداخته باشد صورت نگرفته است. از این رو، این نوشتار برای جبران این کاستی سامان می‌یابد.

معرفی شاعر

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی مروزی ملقب به حجت از شاعران توانا و بزرگ ایران و از گویندگان درجه اول زبان فارسی است.^۳ با استناد به کلام خود ناصر خسرو، می‌توان گفت وی در ذوالقعدة ۳۹۴ در قریه قبادیان، از حوالی بلخ، ولادت یافته است. وی قسمتی از عمرش را در بلخ سپری کرد و به کار دولتی (غزنویان) اشتغال داشت.^۴ خاصیت عمده شعر ناصر خسرو اشتغال آن به مواعظ و حکم بسیار است. ناصر خسرو در این امر قطعاً از کسایی مروزی پیروی کرده است. مهم‌ترین امری که از

۱. خُری، «بررسی وصایتمندی در خطبه غدیر از دیدگاه الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف»، فصلنامه مطالعات قرآنی و

فرهنگ اسلامی، ش ۲، ص ۶۱ - ۴۳.

۲. زارع و طویایی، «تحلیل خطبه غدیر به شیوه تحلیل خطابه ادبی»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ۱ (۴)، ص ۱۰۲ - ۷۵.

۳. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ص ۲۹۴.

۴. ناصری داوودی، تشیع در خراسان: عهد تیموریان، ص ۹۶.

حیث بیان عواطف در شعر ناصر خسرو جلب نظر می‌کند بیان تأثر شدیدی است که شاعر از بدرفتاری‌های معاصران و تعصب و سبک‌مغزی آنان و عدم توجه به حق و حقیقت دارد. او شاعر درباری نبوده است و به قول خود، شاعر چون از دنیا و اهل آن منقطع شد و چنگ در دامان ولای امام علی علیه السلام و آل او زد، به ستایش خوکان نیاز احساس نمی‌کند.^۱

ناصر خسرو از دانشمندان برجسته اسماعیلیه بوده که در راه ترویج و گسترش این مذهب در خراسان فراوان تلاش کرده است. فعالیت گسترده اسماعیلیه در خراسان و ماوراءالنهر در قرن چهارم وی را نیز تحت تأثیر قرار داد.^۲ در میان شاعران فارسی‌سُرا، ناصر خسرو جزو معدود کسانی است که با توجه به هدف خود از شاعری، سهم ممتازی برای مخاطب خود در شعر قائل شده‌اند. عمده قصاید ناصر خسرو روی به مخاطب دارد. به عبارت دیگر، وجود مؤلفه‌هایی مانند پند، حکمت، اخلاقیات، تبلیغ، انتقاد و هر آنچه زمینه‌های تعلیمی یک اثر خواننده می‌شود در شعر ناصر خسرو بر گرایش سخن او به جانب مخاطب ناظر است.^۳

ناصر خسرو قبادیانی در سال ۴۸۱ در تنهایی و فراموشی دره یمگان غریبانه جان سپرد و در همان جا به خاک سپرده شد.

معرفی قصیده غدیریه ناصر خسرو

یکی از مهم‌ترین پیشینه‌های اثرگذار در شکل‌گیری قالب قصیده فن خطابه است. کاربرد خطابه در ایران پیش از اسلام و میان اعراب جاهلی و دوره اسلامی و یونان باستان و تقدم زمانی این ژانر نسبت به شعر عربی و فارسی جای تردید ندارد. از سوی دیگر، شباهت چندجانبه قصیده با خطابه، این تأثیر را به‌ویژه از طریق قصیده عربی بر قصیده فارسی نشان می‌دهد.^۴ از این چشم‌انداز، قصیده کامل نیز مانند خطابه اجزایی دارد که شامل تشبیب یا تغزل، تخلص، پیکره اصلی و شریطه یا تأیید است. چنان‌که از تعریف اجزای خطابه و قصیده برمی‌آید، می‌توان تشبیب را متناظر با مقدمه خطابه در نظر گرفت؛ زیرا مقصود هر دو آنها آماده‌سازی مخاطب برای شنیدن سخن و پذیرش مطلب است. آنچه بعد از «تخلص» می‌آید و «پیکره اصلی» قصیده را تشکیل می‌دهد و در قصاید مدحی همان مدح است و در دیگر قصاید، مطلب

۱. صفا، *تاریخ ادبیات در ایران*، ص ۳۰۲.

۲. ناصری داوودی، *تشیخ در خراسان: عهد تیموریان*، ص ۹۴.

۳. صراحتی جویباری و محسنی، «عوامل مؤثر در ایجاد نقش ترغیبی زبان در قصاید ناصر خسرو»، *فصلنامه کاوش‌نامه*، ۱۷ (۳۳)، ص ۱۲۵ - ۶۵.

۴. پورحیدری و فولادی، «تأثیر فن خطابه در شکل‌گیری قصیده با نظر به قصاید سبک خراسانی»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، ش ۱، ص ۱۵۷.

اصلی مورد نظر شاعر، با قسمت «ادعا» و «استدلال» خطاب به برابر می‌افتد. همچنین در «شریطه»، شاعر، علاوه بر دعای تأیید برای ممدوح، مواردی می‌آورد که ممدوح یا مخاطب به وسیله آن برای پذیرش یا انجام امری تحریک شود. این بخش با بخش «خاتمه» خطاب به متناظر است و خطیب هم در قسمت خاتمه سعی می‌کند آخرین شگردهایش را برای اقناع مخاطب یا مستمع به کار گیرد.^۱

این «قصیده - خطابه» در ظاهر بدون رکن «مقدمه» و «تشییب و تغزل» و مستقیماً با رکن «طرح مسئله» شروع شده است. شاعر با استفاده از شیوه «بیان غیرمستقیم» و در لفافه سخن گفتن، که یکی از اصول بنیادین خطابه به شمار می‌رود، قصیده را چه از نظر محتوا و چه از نظر ابزارها و شیوه‌های بیان اقناعی به دو بخش تقسیم کرده و بخش نخست را مقدمه محتوایی و هنر سازه‌ای بخش اصلی خطبه قرار داده و از همین رو، در ابتدا به هیچ‌روی وارد مباحث واقع‌غدیر نشده است.

قصیده ناصر خسرو برابر با دیوان تصحیح‌شده مینوی و محقق در شماره ۱۰۲ دیوان قرار گرفته است.^۲ شاعر این قصیده را در پنجاه بیت سروده است. بیت ۲۵، که بیت مشترکی میان دو بخش قصیده است، نه تنها از دیدگاه قافیه، بلکه از نظر ساختار معنایی و هنری هم بیت تعیین‌کننده‌ای است. مصرع اول این بیت قله و اوج رکن نخست و مصرع دوم آغاز و درعین حال اوج رکن دوم، و حلقه انتقال مفاهیم از «مقدمه» به «تنه اصلی» قصیده است. از نظر ساخت، این بیت می‌تواند در حکم بیت «تخلص» یا «گریز» به شمار آید. ۲۴ بیت نخست مربوط به رکن اول خطبه و قصیده است که ظاهراً از نظر موضوع و تمثیل‌ها ارتباطی با واقعه غدیر و حضرت علی علیه السلام ندارد و ۲۴ بیت دوم تماماً به واقعه غدیر و اوصاف حضرت علی علیه السلام اختصاص داده شده و بیت پنجاهم در حکم خاتمه و نتیجه‌گیری اصلی خطبه و قصیده است. بنابراین، دو بخش حتی از نظر تعداد بیت‌ها با هم تقارن دارند و یکی قرینه دیگری است. البته این تقارن تنها محدود به تساوی تعداد ابیات نیست، بلکه شامل اشتراک در ساخت هنری و معنایی هم می‌شود. به همین دلیل، ما زمانی می‌توانیم درک کاملی تری از این قصیده داشته باشیم که مفاهیم و تمثیل‌های بخش نخست یا مقدمه را در پیوند با بخش اصلی یا عمود خطبه تفسیر و درک کنیم؛ چراکه مصداق کامل و تمام‌عیار تمثیل‌ها و مفاهیم مقدمه در آنجا حضور دارد و این ویژگی به سبب ماهیت دوبعدی تمثیل است: یکی بعد نزدیک (ممثل‌به) و دیگری بعد دور (ممثل) که در لایه‌های عمیق معنایی نهفته است.

شاعر در پنج بیت نخست، که مهم‌ترین بیت‌های بخش مقدمه‌اند و درعین حال، بخش مرکزی

۱. همان، ص ۱۶۵ - ۱۶۴.

۲. ناصر خسرو، *دیوان اشعار*، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۲۰ - ۲۱۸.

اندیشه و بیان او را دربرمی‌گیرند، با استفاده از ترفند «براعت استهلال» به صورت فشرده، در «مقدمه» به «هدف» قصیده و خطابه خود اشاره کرده است. این قصیده نیز مانند برخی دیگر از قصیده‌های ناصر خسرو با پرسش حکیمانه آغاز می‌شود و او با استفاده از لحن خطاب و ساخت ندایی و از طریق صفت‌های ارزش‌گذار با پرسشی اساسی، که کانون پرسش‌های واقعه غدیر را شکل می‌دهد، به مخاطب خویش می‌گوید:

ای خردمند و هنرپیشه و بیدار و بصیر کیست از خلق به نزدیک تو هوشیار و خطیر؟^۱

سپس با هدف تحقق غایت خطابه، که «اقناع مخاطب و تغییر نگرش او» است، می‌کوشد با بهره‌گیری از شیوه اقناعی «قرار دادن مخاطب در چهارچوب ذهنی موردنظر خود»، از طریق پیش‌فرض‌هایی که در ذهن یا تجربه خود درباره پاسخ‌های فرضی مخاطب یا مخاطبان فرضی خود دارد، آنها را ارزیابی و نقد کند و بدین‌گونه عملاً وارد رکن «حجت» و «استدلال» خطابه - قصیده می‌شود و طی بیت‌هایی که بر زمینه‌ای از آمیختگی «استدلال» و «خیال» شکل گرفته‌اند، می‌کوشد با استفاده از ابزارها و امکانات زبانی، ادبی و فکری گوناگون مخاطب را با خود هم‌رأی و همراه کند. این بیت‌ها چنین‌اند:

گر خطیر آن بُودی که ش دل و بازوی قویست شیر بایستی بر خلق جهان جمله امیر
 و ر به مال اندر بودی هنر و فضل و خطر کوه شغنان ملکی بودی بیدار و بصیر
 و ر به خوبی در بودی خطر و بخت بلند سر و سالار جهان بودی خورشید منیر^۲

شاعر، با انتخاب و کاربرد ساخت شرطی و امکانات آشکار آن مانند «گر» و «و»، ظاهراً قصد دارد زمینه ایجاد تردید در تصورات و باورهای مخاطب و جامعه‌اش را درباره معیارهای برتری عرفی و رایج فراهم سازد، به‌ویژه با کاربرد فعل «بایستی» که با این کار به مخاطب یادآور می‌شود که اگر معیارهای موردنظر تو معیارهای مقبولی بودند، در زمان‌های پیش و نزد گذشتگان بایستی مقبولیت عام می‌یافتند. شاعر، در ضمن بحث و پاسخ به سؤال طرح‌شده، به شیوه‌های مختلف کلمه کلیدی حاضر در صورت پرسش، یعنی «خطیر»، را نقل و تکرار می‌کند. علت کلیدی تلقی شدن آن نیز ناشی از توجه به جایگاه ویژه این واژه در ذهن و زبان شاعر است که کاربرد آن با بسامد بسیار، چه در قالب هم‌خانواده‌های لفظی مانند «خطر»، «خاطر»، «خطری» و چه در قالب هم‌خانواده‌های معنایی و مفهومی چون «هنر» و

۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. همان.

«فضل» بارها در قصاید او، حتی در همین قصیده مورد توجه بوده است که در اینجا گذشته از انعکاس اهمیت این «واژه - مفهوم» در اندیشه و بیان شاعر، می‌تواند بیانگر کوشش شاعر یا خطیب برای حفظ انسجام میان پرسش و پاسخ و در سطح کلان‌تر میان اجزای خطبه و قصیده نیز باشد و از سوی دیگر، «شاعر با بهره گرفتن از نوعی موسیقی خاص (تکرار حروف، تکرار کلمات، تکرار جملات و...) قصد دارد به ذهن مخاطب نفوذ کند»^۱.

شاعر با بیان معیارهای سه‌گانه برتری طرح‌شده در بیان مخاطب یا مخاطبان شاید فرضی خویش و انتساب هر یک از آنها به موجودات و پدیده‌هایی غیر از انسان و نمادهای انتخاب‌شده برای آن ویژگی در فرهنگ و باورهای جامعه، یعنی «دل و بازوی قوی» به «شیر»، «مال و ثروت» به «کوه» و «خوبی» به «خورشید منیر»، در واقع در پی القای این مفهوم است که اگر چنین معیارهایی ملاک برتری باشند، چه بسا موجودات و پدیده‌های دیگری جز انسان مثل اعلا و نماد تمام‌عیار این برتری‌ها باشند. پس، معیار برتری انسان در چیست؟

بدین شیوه، شاعر پس از نقل، نقد و رد معیارهای مخاطب، فرایند طولانی «اقناع» در طول قصیده را با ایجاد تردید در ذهن مخاطب آغاز می‌کند و در ادامه خطبه و قصیده با بهره‌گیری از تمثیل‌های گوناگون و شیوه‌ها و ابزارهای دیگر می‌خواهد جریان اقناع را تا مرحله «پاک‌سازی» پیش ببرد؛ چون تا جهل علمی درباره موضوع موردنظر مرتفع نشود، اقناع صورت نمی‌گیرد و تا اقناع صورت نگیرد، پاک‌سازی شکل نمی‌گیرد. ناصر خسرو پیش از تکمیل جریان ارزیابی معیارهای پیش‌نهاده، صرفاً به رد آنها نمی‌پردازد، بلکه معیار برتری و بزرگی از دیدگاه خود را هم معرفی می‌کند:

نه بزرگ است که از مال فزون دارد بهر آن بزرگ است که از علم فزون دارد تیر^۲

سپس به تبیین بیشتر معیار «مال و ثروت» می‌پردازد و به کمک شبکه معنایی و تصویری «امیر» به عنوان نماینده تمام‌عیار مال و ثروت و ملایمات آن، ابعاد آن را به‌خصوص از طریق مقایسه «مال شهان» و «مال خاطر خویش»، یعنی «علم و سخن»، روشن می‌سازد. البته یادآوری این نکته شاید خالی از لطف نباشد که شبکه مفهومی و تصویری «امیر» یکی از تصاویر، مفاهیم و واژگان بسیار مهم شعر ناصر خسروست که در قصاید بسیاری زمینه شکل‌گیری شبکه متعددی از واژگان، تصاویر، احساسات و افکار و مقایسه‌های مختلف میان شاعر و پادشاه و نظام فکری و ارزشی میان این دو را فراهم می‌کند و دلیل آن هم می‌تواند ناشی از تجربه زیسته درباری او باشد که نهایتاً در جریان کمال فکری و روحی خود

۱. احمدی، «ماهیت نقد رتوریک و اهمیت آن در مطالعات ادبی»، دوفصلنامه بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، ۲ (۳)، ص ۸۳.

۲. ناصر خسرو، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۱۸.

ناگزیر به ترک چنین زیستی می‌شود. البته در خطبه غدیر هم هفت مرتبه کلیدواژه «امیر» تکرار شده است؛^۱ هرچند می‌تواند از نظر زمینه‌های کاربرد با آنچه در قصیده آمده است تفاوت‌هایی داشته باشد:

مال در گنج شهان یابی و در خاطر من هرچه یک مال خطیر است دگر مال حقیر^۲

اساس گفتگو و پیشبرد مباحث در قصیده بر مقایسه گذاشته شده است. شاعر در طول قصیده، مرحله‌به‌مرحله با فراهم ساختن زمینه‌های قیاس برای طرفین مقایسه، نظر و دیدگاه خود را به پیش می‌برد. در واقع، شاعر با انتخاب شیوه «کنار هم قرار دادن دو امر متضاد و توصیف ماهیت و برشمردن نتایج هر یک» ساختاری را برگزیده که از طریق آن، نوعی مباحثه منطقی میان این دو مقوله شکل گرفته است که با آشکار شدن خطا در یک سو، زمینه ترغیب و اقناع مخاطب برای پذیرش موقعیت مقابل آن آسان‌تر فراهم می‌شود. در قیاس نخست، طرفین مقایسه خود شاعر و امرا و شهان هستند که مال و ثروت آنها و مال و ثروت شاعر به عنوان وجه و معیار قیاس انتخاب شده است که طی آن تعریف جدیدی از مال و ثروت و همچنین منشأ و کیفیت پیدایش مال خویش ارائه می‌شود:

آن نه مال است که چون دادیش از تو بشود زو ستاننده غنی گردد و بخشنده فقیر
آن بود مال که گر زو بدهی کم نشود به ترازوی خرد سخته و بر دست ضمیر^۳

سپس میان این دو از نظر کارکردهایشان مقایسه‌ای صورت می‌گیرد:

مال من گر تو اسیر افتی آزاد کندت مال شاهانت گرفت از پس آزادی اسیر^۴

در نهایت شاعر به یاری تمثیلی چنین نتیجه‌گیری می‌کند که میان مال او و اموال شهان تنها تشابه لفظی و واژگانی یا صوری قابل تصور است و از نظر ذات و جوهر میان این دو شباهتی وجود ندارد:

نیست چون مال من اموال شهان جز که به نام چون به تخم است چو نرگس نه به بوی خوش، سیر^۵

در ادامه، وجه دیگر این مقایسه، یعنی حضور همراهان و خادمان در رکاب پادشاه و عدم همراهی

۱. خُری، «بررسی وصایتمندی در خطبه غدیر از دیدگاه الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف»، فصلنامه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ش ۲، ص ۵۶.

۲. همان.

۳. همان.

۴. ناصر خسرو، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۱۸.

۵. همان.

شاعر توسط آنان، ذهن شاعر را به سوی این واقعیت هدایت می‌کند که بگوید این همراهی یا عدم همراهی در نظر خردمند چندان صاحب ارزش نیست و همین نظر تمثیل‌ها و تصویرهایی را در ذهن ناصر خسرو حاضر می‌کند که مثلاً ارزشمند تلقی شدن پنیر در پیشگاه موش و گرایش موش بدن لزوماً از ارزش و عزت کافور نمی‌کاهد:

نشود غره خردمند بدان ک «ز پس من چون پس میر نیاید نه تگین و نه بشیر»
قیمت و عزت کافور شکسته نشده است گر ز کافور به آمد به سوی موش پنیر^۱

سپس ذهن شاعر از این مثال جزئی به مفهوم و اصل کلی‌تر منتقل می‌شود که ارزشمندی هر «خیر» به میزان و ظرفیت خیررسانی آن مربوط است، نه محدود به خیر و نفعی که هرکس متناسب با ظرفیت و نیاز موردی خود از آن بهره‌مند می‌شود و بر همین اساس، ارزش و اهمیت بهره‌گیرنده از خیر هم به میزان و نوع بهره‌ای است که از خیر می‌گیرد.

به بیان دیگر، خیر به‌طور مطلق صاحب ارزش جوهری و ذاتی است؛ هرچند بهره‌گیران کمی از آن بهره‌گیرند یا بهره آنان شامل سهمی اندک و جزئی از آن خیر مطلق و بی‌کران باشد و حتی اگر به حقیقت آن نیز پی نبرده باشند:

خطر خیر بُود بر قَدَرِ منفعتش گر خطیر است خطیر است از او نفع‌پذیر^۲

شاعر به یاری تمثیل‌هایی به تبیین بیشتر این موضوع می‌پردازد و می‌گوید همچنان که انعام و چهارپایان نمی‌توانند به جایگاه کرامت و شرافت اعطایی خداوند به انسان نائل شوند، «جو» نیز قادر نیست به جایگاه نفع شامل «گندم پرمایه» نائل شود:

همچنان چون نرسد بر شرفِ مردمِ خر نرسد بر خطرِ گندم پرمایه شعیر^۳

در نگاه و دقت بعدی می‌افزاید به دلیل همین تفاوت در جایگاه و شرافت ذاتی، هر موجودی به خاطر ارزش وجودی‌اش، موجودی ارزشمند و شریف می‌شود؛ همچنان که سریر از مقدار و ارزش شاهان بی‌خبر است. دقیقاً به همین سبب هم کور نمی‌تواند هیچ‌گاه روز را از شب تار تشخیص دهد یا کر آوای خر را از ناله زیر بشناسد:

۱. همان، ص ۲۱۹.

۲. همان.

۳. همان.

خطری را خطری داند مقدار و خطر نیست آگاه ز مقدار شهان گاه و سریر
کور کی داند از روز، شب تار هگرز؟ کر بنشناسد آوای خر از ناله زیر^۱

همچنان که ظاهر و رنگ مشترک ارزش مشترک را به دنبال ندارد، ظاهر و قیافه مشترک هم نمی‌تواند نشانگر عملکرد مشترک باشد. شاعر طی تمثیل‌های مختلف به تشریح و توضیح این مفهوم می‌پردازد:

نه هر آن چیز که او زرد بُود زر بُود نشود زرّ اگر چند شود زرّ زیر
کرم بسیار، ولیکننت یکی کرم کند حاصل از برگ شجر مایه دیبا و حریر
مردمان آهن بسیار بسودند ولیک جز به داوود نگشت آهن و پولاد خمیر
دود ماننده ابر است ز دیدار ولیک نبود دود لطیف و خنک و ترّ و مطیر^۲

درنهایت، در پایان رکن اول خطابه - قصیده می‌گوید لازم است به ماهیت و ارزش وجودی هر انسان یا پدیده‌ای از راه ارتباطی و ابزار ویژه آن پی برد. برای مثال، به صرف دیدن «عبیر» نمی‌توان به ارزش آن پی برد و تنها از طریق «بوییدن» است که ارزش واقعی آن مشخص می‌شود:

شرف خویش نیاورد و نیاردت پدید تا نبویش اگر چند بینیش عبیر^۳

چنان که گذشت، زمانی می‌توان به شکل عمیق و گسترده به پیوندهای گوناگون سطوح زبانی، فکری و ادبی و روابط بینامتنی میان دو بخش قصیده پی برد که پس از خواندن بخش دوم قصیده، یک بار دیگر بخش اول آن را خواند و ابعاد گوناگون تقارن این دو بخش را عیناً دید.

تحلیل روابط بینامتنی قصیده ناصر خسرو با نصوصِ جانشینی امام علی علیه السلام

نگاه ناصر خسرو به جانشینی امام علی علیه السلام به گونه‌ای است که او با اطمینان و اعتقاد خاصی آن را الگو و شاخص عینی و تعمیم‌پذیر برای تجلی و تجسم حقانیت و تأیید نظام‌های مفهومی و ارزشی درونی و ذهنی تلقی می‌کند و بدین شیوه می‌کوشد مفهومی انتزاعی را از طریق رویدادی تاریخی و در قالب تمثیل حسی کند.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

بینامتنیت دارای سه رکن اساسی است: متن پنهان، متن حاضر، عملیات بینامتنی. انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر عملیات بینامتنی نام دارد که تبیین آن مهم‌ترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است.^۱ در ادامه، بحث روابط بینامتنی قصیده با نصوص جانشینی امام علی علیه السلام براساس ارکان بینامتنیت تبیین می‌شود.

انتصاب امام علی علیه السلام به وصایت در روز غدیر

محوری‌ترین موضوع جانشینی امام علی علیه السلام اعلام وصایت ایشان و انتصاب آن حضرت به ولایت مؤمنان در واقعه غدیر است و این امر بر برخی گران و ناخوشایند آمد. شاعر آن را چنین ترسیم کرده است:

شرف خیر به هنگام پدید آید از او بر سر خلق مرو را چو وصی کرد نبی
چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر این، به اندوه درافتاد ازو، وان به زحیر^۲

شاعر غدیر را روز بزرگداشت و برگزیدگی امام علی علیه السلام می‌داند و بیان می‌کند که فضیلت و عزت هر کس در مواقع خاص ظاهر می‌شود. او با مقدم داشتن گروه متممی بر سر خلق بر فاعل و مفعول، بر انتخاب ایشان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان وصی بر همه مردم و جامعیت و لزوم اطاعت از ایشان تأکید کرده و با استفاده از ضمیر این و آن و بهره‌گیری از شگرد اشاره به جای تصریح به بلاغت کلام افزوده و به‌طور غیرمستقیم به کسانی که از این واقعه و بزرگداشت و انتخاب حضرت ناراحت و غمگین شده‌اند اشاره کرده و با سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه، بینامتنیت اشاره‌ای برقرار ساخته است. در دو بیت مذکور، به سه موضوع انتصاب، وصایت امام علی علیه السلام و ناخشنودی برخی در انتصاب امام علیه السلام اشاره شده است.

در خطبه غدیر (متن غایب) این سه محور انعکاس یافته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر فضائل امام علی علیه السلام را بیان فرموده و انتصاب و برگزیدگی ایشان به وصایت و امامت همگان را اعلام کرده‌اند. ایشان در بندهای مختلف خطبه، به فرمان‌برداری از امام علیه السلام تأکید کرده و از مخالفت با آن حضرت برحذر داشته‌اند.

در بیت اول از انتصاب و وصایت امام علی علیه السلام سخن در میان است. این دو موضوع در خطبه غدیر فراوان آمده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در چند نوبت بر انتصاب امام علیه السلام از سوی خداوند تصریح و تأکید کرده‌اند؛ از جمله فرموده‌اند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَكَيْلاً وَإِمَاماً.»^۳ نیز فرموده‌اند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضْلُوهُ

۱. میرزایی و واحدی، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، دوفصلنامه ادب و زبان، ش ۲۵، ص ۳۲۲ - ۲۹۹.

۲. ناصر خسرو، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۱۹.

۳. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۵۹.

فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.»^۱ در فراز دیگری بیان فرموده‌اند: «فَعَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَمَبِينٌ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدِي وَمَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنِّي.»^۲

در زمینه وصایت نیز رسول خدا ﷺ در چند جای خطبه، امام علی علیه السلام را وصی خویش معرفی کرده‌اند؛ از جمله فرموده‌اند:

فَأُعَلِّمُ كُلَّ أَيْبُضٍ وَأَسْوَدٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي.^۳
 مأمور شده‌ام بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب علیه السلام برادر و وصی و خلیفه من است.

مُعَلِّمُكُمْ أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَهُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَخِي وَوَصِيِّي.^۴
 معاشر الناس هذا عليٌّ أخي ووصيي وواعي علمي وخليفتي علي أمتي.^۵

بیت دوم شاعر به ناخشنودی عده‌ای از انتصاب امام علی علیه السلام اشاره دارد. در خطبه غدیر رسول خدا ﷺ مردم را از کناره‌گیری و دوری از امام علی علیه السلام و تکبر در برابر ولایت آن حضرت برحذر داشته‌اند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضَلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفَرُوا مِنْهُ وَلَا تَسْتَكْبِرُوا.»^۶ همچنین، در پایان خطبه آمده است که جبرئیل در هیبت انسانی فرود آمد و گفت: محمد ﷺ چنان عهدی بر پسرعموی خویش گرفت که جز کافر به خدا و رسولش آن را نمی‌گسلد. وای بر پیمان شکن. پیامبر ﷺ به عمر بن خطاب فرمودند: اگر پیمان بشکنی، خدا و رسول و ملائکه‌اش و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود.^۷

طبق برخی روایات، پس از واقعه غدیر خم نخستین اعتراض به انتصاب امام علی علیه السلام به سرعت آشکار شد. حاکم حسکانی، از عالمان اهل سنت، نقل کرده است که چون رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم امام علی علیه السلام را به ولایت انتصاب کردند و خبر آن در سرزمین‌ها انتشار یافت، نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر ﷺ رفت و گفت: از جانب خداوند ما را امر کردی به وحدانیت خداوند و رسالت شهادت دهیم. پذیرفتیم. ما را به جهاد، حج، نماز، زکات و روزه فرمان دادی. پذیرفتیم. به این فرمان‌ها بسنده نکردی تا آنکه این جوان را به ولایت نصب کردی. این چیزی از جانب توست یا فرمانی از طرف خداوند است؟

۱. همان، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. همان، ص ۵۹.

۴. همان، ص ۶۰.

۵. همان، ص ۶۱.

۶. همان، ص ۶۰.

۷. همان.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از طرف خداوند است. نعمان روی برگرداند و گفت: خدایا، اگر این امر حقی از سوی توست، بر ما از آسمان سنگ بیار یا عذابی دردناک فرود آور. خداوند سنگی بر سر او افکند و هلاکش کرد. در پی این حادثه، خداوند این آیات را نازل کرد: «سَأَلَ سَائِلٌ يَعَذَابُ وَاقِعٌ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»^۱ این شأن نزول با عبارات متفاوت و مضمون واحد در مصادر شیعه آمده و تفسیر نور الثقلین آنها را یک جا گرد آورده^۲ و در منابع متعدد اهل سنت نیز انعکاس یافته است. علامه امینی آن را از سی منبع اهل سنت گزارش کرده است.^۳ بهر روی، ناصر خسرو در بیت دوم با اشاره بر ناخشنودی برخی در ولایت و وصایت امیر مؤمنان^۴ میان خطبه و شعر بینامتنیت اشاره‌ای پدید آورده است.

حسادت‌ورزی به جانشینی امام علی علیه السلام

یکی از حوادث مرتبط با امام علی علیه السلام حسادت به آن حضرت به‌ویژه پس از تصریح به انتصاب ایشان به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. ناصر خسرو این مسئله را چنین تصویر کرده است:

حسد آمد همگان را ز چنان کار و از برمیدند و رمیده شود از شیر حمیر^۵

شاعر در این بیت به پیامدهای انتخاب حضرت علی علیه السلام به جانشینی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازد و به‌ویژه رفتار و احوال مختلف کسانی را که از این امر ناخرسندند توصیف می‌کند. حسادت به امام علی علیه السلام پس از انتخاب آن حضرت در روز غدیر نمایان شد. شاعر با استفاده از واژه همگان به جمعیت فراوانی که در حجة‌الوداع حضور داشتند و شاهد برگزیدگی و شنوای خطبه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بودند، ولی به سبب حسد از ایشان دوری گزیدند و از بیعت خود سر باز زدند اشاره می‌کند و امام علی علیه السلام را به شیر و حسودان را به الاغ تشبیه می‌کند.

حسادت به امام علی علیه السلام یکی از حقایق تاریخ اسلام است که به شکل‌های مختلف در روایات و گزارش‌های تاریخی انعکاس یافته است؛ اما شاید بتوان گفت در سه مقطع تاریخی این حسادت بیشترین نمود را داشته است: هنگام دعوت علنی رسالت (یوم الإنذار)، حادثه غدیر خم، به خلافت رسیدن پس از سه خلیفه نخست.

۱. معارج / ۲ - ۱.

۲. حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۳۸۲ - ۳۸۱.

۳. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۱۲ - ۴۱۱.

۴. امینی، الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، ج ۱، ص ۲۴۶ - ۲۳۹.

۵. ناصر خسرو، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۱۹.

بر پایه گزارش‌های معتبر تاریخی اهل سنت، نخستین بار به هنگام اعلام آشکار رسالت در حضور خویشاوندان پیامبر ﷺ، جانشینی امام علی ﷺ اعلام، و این امر با تمسخر و استهزای حاضران مواجه شد. طبری و غیر او نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمودند: این علی ﷺ برادر، وصی و جانشین من است («أخي ووصيتي وخليفتي»). از او فرمان برید و اطاعتش کنید. قوم برخاستند و تمسخر کردند و به ابوطالب گفتند: تو را امر کرده است که فرمان بردار و مطیع فرزندت باشی.^۱ شایان گفتن است که برخی مورخان ناخشنودی خود از جانشینی امام علی ﷺ را در شیوه گزارش این روایت نشان داده‌اند. ابن کثیر این روایت را از طبری آورده و به جای عبارت «أخي ووصيتي وخليفتي»، نوشته است: «أخي وكذا وكذا».^۲

دومین مقطعی که حسادت به امام علی ﷺ آشکار شد پس از غدیر خم بود. امام علی ﷺ فرموده‌اند: به خدا قسم، قریش تنها به این دلیل از ما انتقام می‌گیرد که خدا ما را بر آنان برگزید: «وَاللَّهِ مَا تَنْقِمُ مِنَّا قُرَيْشٌ إِلَّا أَنْ اللَّهَ اخْتَارَنَا عَلَيْهِمْ».^۳ این در حالی است که پیامبر ﷺ در خطبه غدیر هشدار دادند و مردم را از حسادت برحذر داشتند و فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ».^۴ حسادت ابلیس از جنس حسادت اعتقادی بود و موجب شد از فرمان خداوند سرپیچی کند و کافر شود و تمام اعمال وی نابود شود. حسادت ورزیدن به امام علی ﷺ نیز حسادت اعتقادی خواهد بود؛ زیرا نافرمانی از امر خداوند و انکار امامت را در پی دارد و کفری به سان کفر شیطان خواهد بود.

به باور ناصر خسرو نیز حسودان امامت امیر مؤمنان ﷺ در جرگه کفارند. این امر را می‌توان از تشبیه موجود در مصراع دوم (برمیدند و رمیده شود از شیر حمیر) فهمید. تشبیه حسودان به الاغان رمیده از شیران الهام گرفته از قرآن است؛ جایی که خداوند کافران روی گردان از قرآن را چنین تشبیه کرده است: «كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفَرَةٌ * فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ».^۵ بنابراین، از دیدگاه ناصر خسرو حسودان نیز کافرنند؛ همان طور که کافران با انکار قرآن، که ثقل اکبر است، کافر شدند، حسودان نیز با کنار گذاشتن امام علی ﷺ از مسند خلافت و انکار ولایت ایشان، که ثقل اصغر است، به کفر گراییدند. پیامبر ﷺ در خطبه غدیر به این دو ثقل

۱. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۲، ص ۶۳؛ ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۶۲؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۴۲، ص ۴۹.

۲. ابن کثیر دمشقی، *البدایة و النهایة*، ج ۳، ص ۵۳.

۳. *نهج البلاغه*، تعلیق صبحی صالح، تحقیق علی نقی فیض الإسلام، ص ۷۷.

۴. طبرسی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، ج ۱، ص ۶۱.

۵. مدثر / ۵۱ - ۵۰.

اشاره فرموده‌اند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ»^۱ سومین مقطع نمود حسادت به امام علی علیه السلام پس از تکیه زدن بر مسند خلافت بود. در نامه ۳۶ نهج البلاغه، امام علیه السلام فرموده‌اند: قریش بر جنگ با من اجماع کردند، همان طور که بر جنگ با رسول خدا صلی الله علیه و آله اجماع کردند: «فَأَيُّهُمْ قَدْ أَجْمَعُوا عَلَيَّ حَرْبِي كَأَجْمَاعِهِمْ عَلَيَّ حَرْبِ رَسُولِ اللَّهِ»^۲ ابن ابی‌الحدید در شرح این سخن امام علیه السلام نوشته است: این کلام حق است؛ زیرا از روزی که با ایشان بیعت شد، قریش از روی بغض و حسادت و کینه بر جنگ با حضرت هم‌نظر شدند.^۳ حسادت همه قریش در این سخن ابو‌هیثم تیهان، از اصحاب برجسته امام علی علیه السلام، به امام نمودار شده است:

دو گروه قریش بر تو حسد ورزیدند؛ خوبان آنان برای رقابت با تو و دستیابی به فضیلت و برتری مرتبت، و بدان آنان به دلیل پیشی گرفتن بر تو.^۴

همچنین امام در خطبه ۱۶۹ فرموده‌اند:

إِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَفَاءَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ؛^۵ آنها از روی حسد به کسی که خداوند حکومت را به او بازگردانده است به طلب دنیا برخاسته‌اند و تصمیم دارند اوضاع را به عقب برگردانند [و سنت‌های جاهلی را زنده کنند].
این خطبه در آغاز خلافت امام و هنگام حرکت به سوی بصره برای خاموش کردن آتش فتنه‌انگیزان جمل ایراد شده است.^۶ جمله «حَسَدًا لِمَنْ أَفَاءَهَا» با توجه به اینکه «افاء» از ماده «فیء» به معنای بازگشت است، اشاره به این نکته است که حکومت در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله در خاندان بنی‌هاشم بود و اکنون نیز به همان خاندان بازگشته است؛ هرچند حسودان تلاش می‌کنند که آن را پس گیرند و بار دیگر سنت‌های جاهلی را در محیط اسلام زنده کنند.^۷

دلایل شایستگی امام علی علیه السلام برای وصایت

در خطبه غدیر دلایل شایستگی امام علی علیه السلام برای وصایت بیان شده است. ناصر خسرو در بیتی برخی از

۱. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۰.

۲. نهج البلاغه، تعلیق صبحی صالح، تحقیق علی نقی فیض‌الإسلام، ص ۴۰۹.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶ ص ۱۵۱.

۴. شیخ مفید، الامالی، ص ۱۵۵.

۵. نهج البلاغه، تعلیق صبحی صالح، تحقیق علی نقی فیض‌الإسلام، ص ۲۴۴.

۶. مکارم شیرازی، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۶ ص ۴۵۸.

۷. همان، ص ۴۵۹.

آنها را بیان کرده است:

او سزا بُد که وصی بود نبی را در خلق که برادرش بُد و بن عم و داماد و وزیر^۱

در این بیت، برای اقناع مخاطبان، با ذکر رویدادهای تاریخی و بیان فضائل حضرت علی علیه السلام و نسبت‌های متعددشان با حضرت رسول صلی الله علیه و آله، به سزاواری و شایستگی جانشینی صحنه می‌گذارد. پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین کسی‌اند که امام علی علیه السلام را با این ویژگی‌ها و بلکه افزون بر آنها توصیف کرده‌اند. آن حضرت فرموده‌اند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَهُوَ وَصِيٌّ وَوَزِيرِي وَأَخِي وَتَاصِرِي وَزَوْجُ ابْنَتِي»^۲ بنابراین، ناصر خسرو، با الهام از این گونه روایات، بیت خود را سروده و میان آنها رابطه بینامتنی اشاره‌ای برقرار ساخته است. ذکر این نکته لازم است که دلیل برادر خواندن امام علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که وقتی آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۳ نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله براساس جایگاه و منزلت هر یک از صحابه و از جمله میان خود و امام علی علیه السلام عقد اخوت برقرار کردند و به امام فرمودند: «تو برادر من هستی و من برادر تو هستم»^۴

بیان ملاک صحیح جانشینی و نقد معیارهای نادرست آن

ناصر خسرو در ادامه صورت ادعای یکی از مخاطبان یا معاندان را که دیرینگی و پیری یاران را به عنوان معیار برتری پیش کشیده است نقل می‌کند و آن را ادعای بیهوده می‌خواند:

ای که بر خیره همی دعوی بیهوده کنی که فلان بوده است از یاران دیرینه و پیر^۵

سپس با لحن بسیار تند و خشمناک به مخاطب می‌گوید چگونه از سر خیرگی چنین سخن بیهوده‌ای را طرح می‌کنی؟ و در پاسخ خویش علم را مایه شرافت انسان می‌داند، نه سال را:

شرف مرد به علم است شرف نیست به سال چه درایی سخن یافه همی خیره بخیر^۶

در بیت بعد، از طریق سؤال چنین استدلال می‌کند که اگر این معیار معتبری است، چرا خداوند فرد

۱. ناصر خسرو، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۱۹.

۲. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۷۲.

۳. حجرات / ۱۰.

۴. طوسی، الامالی، ص ۵۸۷.

۵. ناصر خسرو، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۱۹.

۶. همان.

پیری را به رسالت نفرستاده است؟ در مصرع دوم با لحنی آمیخته به طنز و تمسخر می پرسد که شاید خداوند از چنین واقعیت‌ها و احوالی بی خبر بوده است:

چون که پیری نفرستاد خداوند رسول؟ یا از این حال نبود ایزد دادار خبیر؟^۱

سپس، با مقایسه حضرت احمد رضی الله عنه و حضرت ابراهیم علیه السلام، با استدلال محکم بر معیار فضیلت پیری خط بطلان می کشد و بیان می دارد ابراهیم علیه السلام به یک صدم آن جایگاهی نرسیدند که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در چهل سالگی به آن دست یافتند:

یافت احمد به چهل سال مکانی که نیافت به نود سال براهیم از آن عشر عشر^۲

ناصر خسرو ابتدا کسانی را که با لجاجت و گستاخی ادعای بیهوده می کنند و برخی صحابه را به دلیل سبقت در اسلام و بزرگی سن، برتر و لایق تر از امام می دانند، مخاطب قرار می دهد و با جمله ای خبری می گوید: عزت و اعتبار و برتری مرد به میزان سن نیست و با معیار علم سنجیده می شود. سپس با جمله پرسشی به قصد توبیخ و ملامت می پرسد: چرا سخن بیهوده و بی معنا می گویی؟

برخی متعصبان اهل سنت ابوبکر را پیشتاز اسلام آورندگان و سبقت گیرنده بر امام علی علیه السلام پنداشته اند.^۳ همچنین معتقدند ابوبکر در چهل سالگی اسلام آورد و علی علیه السلام پیش از سن بلوغ اسلام آوردند. پس، اسلام ابوبکر برتر است.^۴ در شورای سقیفه نیز به هنگام انتخاب ابوبکر بر جایگاه خلافت مسلمانان و کنار زدن امام علی علیه السلام، عده ای سن ابوبکر را دلیل گزینش وی برای خلافت، و جوانی آن حضرت را استدلالی برای عدم انتخاب بیان کردند.^۵ ناصر خسرو، ضمن نقد دیدگاه برتری دادن افراد بر پایه سن، معیار برتری را برخورداری از دانش بیان می کند؛ مسئله ای که خود اهل سنت بدان معترف اند؛ همان طور که از عایشه نقل کرده اند: علی علیه السلام عالم ترین فرد به سنت است.^۶ ناصر خسرو با این گزاره های تاریخی بینامتنیت اشاره ای برقرار کرده است.

شاعر آن گاه برای آگاهی دادن و خبررسانی و تأکید بر نظر و گفته خویش بیان می کند پیامبر صلی الله علیه و آله نیز

۱. همان.

۲. همان.

۳. جاحظ، *العثمانية*، ص ۳.

۴. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۳، ص ۲۱۵.

۵. همان، ص ۱۲.

۶. ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۴۲، ص ۴۰۸.

در چهل سالگی به برتری و موقعیتی دست یافتند که حضرت ابراهیم علیه السلام در نودسالگی به آن فضیلت نرسیده بودند. در خطبه غدیر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: ای مردم، بدانید که خداوند علی علیه السلام را سرپرست و امام مهاجران و انصار (که پیش‌گامان مسلمانی‌اند)، تابعان، حاضران و غایبان در جلسه، عرب و عجم، آزاد و بنده، کوچک و بزرگ، سفید و سیاه و هر موحدی کرده و پیروی از او بر همگان واجب است:

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وِليًّا وَإِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَي الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ
وَعَلَي التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَعَلَي الْبَادِي وَالْحَاضِرِ وَعَلَي الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ
وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَعَلَي الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَي كُلِّ مُوَحِّدٍ.^۱

ناصر خسرو در ادامه با جمله‌ای خبری جهت مفاخره و با تشبیهی زیبا بیان می‌دارد که امام علی علیه السلام در روز غدیر چنان خلعتی یافتند که روز غدیر به سبب این شرافت مانند خورشید در آسمان‌ها مشهور شد و در واقع آبروی روز غدیر از امام علی علیه السلام است:

علی آن یافت ز تشریف که زو روز غدیر شد چو خورشید درفشنده در آفاق شهیر^۲

اگرچه پیامبر صلی الله علیه و آله در نوبت‌های گوناگون جانشینی امام علی علیه السلام را اعلام فرموده بودند، در هیچ‌یک از آنها جمعیت فراوانی مانند آنچه در روز غدیر خم گرد آمده بودند حضور نداشتند. نقل شده است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم امام علی علیه السلام را به ولایت انتصاب کردند، خبر آن در سرزمین‌ها منتشر شد؛^۳ زیرا آن‌طور که نوشته‌اند، در این واقعه، جمعیت فراوانی که تعداد آن را خدا می‌داند حضور داشتند و گویند: تعداد آنان نود هزار یا ۱۱۴ هزار یا ۱۲۰ هزار یا ۱۲۴ هزار تن بوده است.^۴

روشن است این جمعیت فراوان که از مناطق دور و نزدیک حضور داشتند، پس از مراجعت به اوطان خود، آن را به هم‌شهریان خود منتقل کرده‌اند و از این‌رو، غدیر خم شهرت فراگیری یافته است و بی‌شک امیر مؤمنان علیه السلام محور آن بوده‌اند.

شاعر در ادامه در چرخشی ظاهراً همدلانه با مخاطب می‌گوید: بله، می‌پذیرم که با حضرت علی علیه السلام یاران پیری هم همراه بودند. با این حال، میان دو سخن‌گستر فرق بسیار وجود دارد و با استفاده از تمثیل لفظ و معنای قرآن و نامه و مغز آن به تبیین موضوع می‌پردازد:

۱. طبرسی، *الاحتجاج علی اهل الجاح*، ج ۱، ص ۵۹.

۲. ناصر خسرو، *دیوان اشعار*، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۱۹.

۳. حسکانی، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، ج ۲، ص ۳۸۲ - ۳۸۱.

۴. امینی، *الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب*، ج ۱، ص ۹.

با علی یاران بودند، بلی، پیر و لیک
 به یکی لفظ رسانید، بلی، جمله کتاب
 لیکن از نامه همه مغز به خواننده رسد
 به میان دو سخن گستر فرق است کثیر
 از خداوند پیمبر به کبیر و به صغیر
 و چه هر دو بپساودش دبیر و نه دبیر^۱

نقل شده است که پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله چون ابوقحافه، پدر ابوبکر، از خلافت فرزندش آگاه شد، پرسید چرا علی علیه السلام به خلافت انتخاب نشد؟ گفتند: چون جوان بوده و فراوان مشرکان قریش و غیر قریش را از دم تیغ گذرانده است. درمقابل، ابوبکر سن بیشتری داشت. ابوقحافه گفت اگر ملاک سن باشد، من از ابوبکر سزاوارترم. پیامبر صلی الله علیه و آله به ما فرمان داد که با او بیعت کنیم و برای او بیعت ستاند. با این حال، در حق علی علیه السلام ظلم کرده‌اند.^۲ ناصر خسرو در این ابیات بیان می‌دارد اگرچه پیرانی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، سن نمی‌تواند دلیل برتری آنان بر امام علی علیه السلام باشد؛ زیرا اگرچه پیامبر صلی الله علیه و آله الفاظ قرآن را به گوش همه اصحاب خود، پیر و جوان، رسانیدند، آن که با تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله توانست به درون مایه‌ها و لایه‌های باطنی قرآن دست یابد امیر مؤمنان علیه السلام بودند.

ذکر این نکته لازم است که قرآن ظاهر و باطن دارد. ظاهر قرآن همان الفاظ آن است که در دسترس همگان است و همه صحابه با آن مانوس بودند، اما باطن آن در دسترس همگان نیست. امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: ظاهر قرآن تنزیلش و باطن آن تأویلش است. برخی از آن آمده و برخی نیامده است. خداوند فرموده است: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»^۳ ما راسخان در علم هستیم که تأویل قرآن را ما می‌دانیم.^۴

باطن قرآن را کسی درمی‌یابد که مخاطب آن باشد: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّبَ بِهِ»^۵ امام علی علیه السلام از چنان شایستگی‌ای برخوردار بودند که مخاطب قرآن باشند و قرآن را به سخن آورند:

فَاسْتَنْطِقُوهُ وَكُنْ يَنْطِقَ وَلَكِنْ أُخِيرْكُمْ عَنْهُ أَلَّا يَنْفِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَدَوَاءَ دَائِكُمْ وَنَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ.^۶

قرآن را به سخن درآورید. هرگز با شما سخن نمی‌گوید. من شما را از آن آگاه می‌کنم.

۱. ناصر خسرو، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۲۰.

۲. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۸۸ - ۸۷.

۳. آل عمران / ۷.

۴. صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۱۹۶.

۵. کلینی، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۸، ص ۳۱۲.

۶. نهج البلاغه، تعلیق صبحی صالح، تحقیق علی نقی فیض‌الإسلام، ص ۲۲۳.

آگاه باشید که در قرآن علم آیندگان و اخبار گذشتگان است و داروی درد شما و نظم میان شماست.

این شاخصه حضرت حاصل سال‌ها علم‌آموزی در محضر رسول خدا ﷺ بوده است. شیعه و سنی روایات فراوانی در زمینه آموزش همه الفاظ و معانی ظاهری و باطنی قرآن توسط پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام نقل کرده‌اند. از جمله شیخ طوسی روایت کرده است که در نوبتی امام علی علیه السلام فرمودند: درباره کتاب خداوند از من بپرسید. به خداوند سوگند، هر آیه‌ای از قرآن که در شب یا روز، در مسیر یا محل استقرار نازل شد، رسول خدا ﷺ آن را بر من قرائت کردند و تأویلش را آموختند. از ایشان پرسیده شد: آیاتی را که در زمان غیبت تو نازل می‌شد چگونه فرامی‌گرفتی؟ فرمودند: رسول خدا ﷺ آنها را حفظ می‌کردند و چون نزد ایشان بارمی‌یافتیم، بر من قرائت می‌کردند و می‌فرمودند: این آیات نازل شده و تأویل آنها چنین و چنان است و تنزیل و تأویل آیات قرآن را می‌آموختند.^۱ حاکم حسکانی نقل کرده است که امام علی علیه السلام فرمودند: هر آیه‌ای از قرآن نازل شد پیامبر ﷺ بر من قرائت کردند و با خط خود نوشتیم. تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آیات را نیز به من تعلیم دادند و از خداوند خواستند که آنها را بفهمم و حفظ کنم. از آن پس، هیچ حرفی را فراموش نکردم.^۲

پیامبر ﷺ در خطبه غدیر به این موضوع اشاره فرموده‌اند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَكُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ
وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُؤْمِنُ.^۳

ای مردم، هیچ علمی [لازم برای هدایت] نیست، مگر آنکه خداوند آن را در من به ودیعت نهاده است و هر علمی را که فراگرفته‌ام به پیشوای متقیان انتقال داده‌ام و هیچ دانشی نیست مگر آنکه به علی علیه السلام آموخته‌ام و او امام روشن‌کننده است.

آنچه در این فراز از خطبه آمده نه تنها بر تعلیم ظاهر و باطن قرآن بر امام دلالت دارد، بلکه در بردارنده این پیام است که هر علمی که پیامبر ﷺ در اختیار داشته‌اند به امیر مؤمنان علیه السلام آموخته‌اند. براساس آنچه گذشت، میان ابیات ناصر خسرو و روایات و گزارش‌های تاریخی مذکور رابطه بینامتنیت اشاره‌ای وجود دارد.

شاعر در خاتمه به آن دسته از مخاطبان خود که از امام علی علیه السلام مانند فرار صید از شیر گریخته‌اند طعنه

۱. طوسی، الامالی، ص ۵۲۳.

۲. حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۴۸.

۳. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۰.

می‌زند که نه تنها نیازی به رمیدن از چنین شیری نیست، بلکه باید در پی چنین شیری رفت و شکار او شد:

تو به آواز چرا می‌رمی از شیر خدا
چون پی شیر نگیری و نباشی نخچیر^۱؟

ناصر خسرو شش سال در مصر اقامت داشت. در این مدت تعالیم لازم را فراگرفت و به مقام داعی نائل شد و به وطن خویش، بلخ، بازگشت و دعوت به آیین اسماعیلیه را آغاز کرد. دستگاه حاکم از جانب وی احساس خطر کرد و او را به دورترین و کوهستانی‌ترین نقطه بدخشان تبعید کرد. او در یمگان (یمگان) بدخشان ساکن شد و در آنجا نیز دست از فعالیت و دعوت برداشت، بلکه بر تلاش خود افزود و مردم بسیاری از آن نواحی را به کیش خود درآورد و این امر خود باعث مشکلات جدیدی بر سر راهش از جانب علمای آن دیار شد.^۲

شاعر، با تمثیل گریختن شکار از شیر، از سویی به مسائل سیاسی روزگار خویش و روی گردانان از ولایت امام علی علیه السلام اشاره دارد، و از سوی دیگر، تمثیل وی اشاره به کسانی است که از ولایت آن حضرت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله روی برتافتند و اینان عمده امت اسلام بودند؛ چنان که در روایات و گزارش‌های تاریخی از آن سخن گفته شده است. از جمله نقل است: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله چشم از دنیا فرو بستند، مردمان به ابوبکر مایل شدند و با او بیعت کردند: «فَلَمَّا قُضِيَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَالَ النَّاسِ إِلَيَّ أَبِي بَكْرٍ فَبَايَعُوهُ»^۳ همچنین، روایت شده است که امام علی علیه السلام فرمودند: پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به یاری خود خواندم. جز چهار تن، سلمان، عمار، ابوذر و مقداد، کسی دعوتم را اجابت نکرد.^۴ بنابراین، ناصر خسرو از بینامتنیت اشاره‌ای در شعر خود بهره برده است. مضاف بر آن، رابطه بینامتنیت واژگانی نیز برقرار کرده است. تعبیر شیر خدا برگردان «أَسَدُ اللَّهِ» است که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام داده شده است؛ آنجا که فرمودند: «هَذَا أَسَدُ اللَّهِ وَسَيْفُهُ فِي أَرْضِهِ عَلِيٌّ أَعْدَائُهُ»^۵.

نتیجه

از مطالبی که گذشت روشن شد که ناصر خسرو از شعرای نامدار پارسی‌زبان است که گرایش‌های سیاسی و عقیدتی در اشعارش آشکار است و تحت تأثیر همین گرایش‌ها در سرایش قصیده خود از نصوص

۱. ناصر خسرو، *دیوان اشعار*، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۲۲۰.

۲. ناصری داوودی، *تشیع در خراسان: عهد تیموریان*، ص ۹۵ - ۹۴.

۳. هلالی، *کتاب سلیم بن قیس الهمدانی*، ص ۶۶۵.

۴. طبرسی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، ج ۱، ص ۷۵.

۵. طبری، *ذخائر العقبی*، ص ۹۲.

جانشینی امام علی علیه السلام بهره برده و میان اشعار خویش و خطبه مذکور دست کم در چهار محور رابطه بینامتنی برقرار ساخته است: ۱. انتصاب امام علی علیه السلام به وصایت در روز غدیر؛ ۲. حسادت‌ورزی به جانشینی امام علی علیه السلام؛ ۳. دلایل شایستگی امام علی علیه السلام برای وصایت؛ ۴. بیان ملاک صحیح جانشینی و نقد معیارهای نادرست آن. از میان انواع روابط بینامتنی در غدیریه ناصر خسرو بینامتنیت اشاره‌ای از بسامد بیشتری برخوردار بوده است و پس از آن، بینامتنیت واژگانی قرار دارد. آنچه در شعر ناصر خسرو بدان توجه شده بیان برتری امام علی علیه السلام در جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیان دلایل این سزاواری و برتری به وسیله تشبیه و تلمیح و بیان برتری علمی و عملی ایشان است. بنابراین، شاعر علاوه بر مضمون، از نظر سبکی و اسلوبی نیز بر متن غایب نظر داشته است. از نظر ابزارها و شیوه‌های بیان اقناعی شاعر در قصیده خود از هر دو شیوه استناد به مدارک و شواهد و استفاده از شگردهایی که شنونده را برای پذیرش مطلب آماده کند بهره گرفته است. از دیدگاه وجوه مشترک میان قصیده و گونه خطبه و به طریق اولی خطبه غدیر می‌توان گفت محور عمودی خیال قصیده ناصر خسرو به سبب رشته تداعی و تسلسل عاطفه و اندیشه و خیال چندان قوی است که در قصیده او یک خطابه بلند، با همه اوج‌ها و سرعت‌ها و درنگ‌ها، که در یک خطبه بلیغ و استادانه وجود دارد، مشاهده می‌شود. همچنین، رابطه بینامتنی میان دو گونه «خطابه» و «قصیده» بیشتر از نوع رابطه بینامتنی در زمانی است؛ بدین معنا که در این رابطه گونه قصیده از امکانات مختلف خطابه برای گسترش و توفیق خود بهره برده است. از دیدگاه اصول بنیادین خطابه نیز میان این قصیده و خطابه اشتراک‌های گوناگونی شناسایی شد؛ از جمله هدف هر دو تلاش برای اقناع مخاطب و تغییر نگرش اوست. از نظر اجزای خطابه یا آنچه در خلاصه‌ترین بیان «عمود و اعوان» نام‌گذاری شده، قصیده نیز دارای ارکان مقدمه، برهان و نتیجه یا خاتمه است؛ هر چند رکن «مقدمه» قصیده مستقیماً با طرح مسئله آغاز شده است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم (۱۴۱۵ ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴ ق). تعلیق صبحی صالح. تحقیق علی نقی فیض الإسلام. قم: هجرت.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۶ ق). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار بیروت.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ ق). تاریخ مدینة دمشق. مصر: دار الفکر.

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ق). **البدایة و النهایة**. بیروت: دار الفکر.
- احمدی، محمد (۱۳۹۶). ماهیت نقد رتوریک و اهمیت آن در مطالعات ادبی. **دوفصلنامه بلاغت کاربردی و نقد بلاغی**. ۲ (۳). ۸۷ - ۷۳.
- ارسطو (۱۳۸۹). **فن خطابه**. ترجمه پرخیده ملکی. تهران: اقبال.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ ق). **الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب**. بیروت: دار الکتاب العربی.
- پورحیدری، روح‌الله و علیرضا فولادی (۱۳۹۸). تأثیر فن خطابه در شکل‌گیری قصیده با نظر به قصاید سبک خراسانی. **کهن‌نامه ادب پارسی**. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱ (۱). ۱۷۵ - ۱۵۵.
- تقوایی کارمزدی، فاطمه (۱۳۹۴). **تحلیل سطوح بینامتنی در مجموعه‌های گوشواره عرش و خواب از غوانی علی موسوی گرمارودی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شاهد.
- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر کنانی (بی‌تا). **العثمانية**. مصر. دار الکتاب العربی.
- حبیبی، علی اصغر (۱۳۹۲). بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلی و قرآن کریم. **فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی**. ۱ (۴). ۶۱ - ۲۷.
- حرّی، ابوالفضل (۱۳۹۷). بررسی وصایتمندی در خطبه غدیر از دیدگاه الگوی تحلیل گفتمان نورمن فر کلاف. **فصلنامه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی**. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۲ (۳). ۶۱ - ۴۳.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ ق). **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**. تهران: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق). **تفسیر نور الثقلین**. قم: اسماعیلیان.
- دیکسون، پیت (۱۳۸۹). **خطابه**. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز.
- راست‌گو، سید محمد (۱۳۹۶). **تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی**. تهران: سمت.
- رضایی، ابوالفضل و رقیه خرمی (۱۳۹۵). بینامتنی قرآنی در اشعار سفیان بن مصعب عبدی. **پژوهش‌های قرآن و حدیث**. ۴۹ (۲). ۲۶۸ - ۲۵۱.
- ریاحی، محمدمین (۱۳۹۴). کسای مروز: زندگی، اندیشه و شعر او. **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**. ۱۲۰ (۳). ۲۲۵ - ۲۱۰.
- زارع، آفرین و طاهره طویایی (۱۳۹۰). تحلیل خطبه غدیر به شیوه تحلیل خطابه ادبی. **کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی**. ۱ (۴). ۱۰۲ - ۷۵.

- ستوده‌نیا، محمدرضا و زهرا محققیان (فروردین ۱۳۹۵). بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه. فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن. ۵ (۱). ۳۶ - ۲۱.
- شاهرخی شهرکی، فرنگیس، خلیل بیگ‌زاده و اسماعیل صادقی (آبان ۱۳۹۶). خوانش رابطه بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم. فصلنامه فرهنگ رضوی. بنیاد بین‌المللی فرهنگی - هنری امام رضا علیه‌السلام. ۱۸ (۵). ۱۴۴ - ۱۱۷.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شکرانی، رضا، مهدی مطیع و مرضیه فانی (۱۳۸۹). گفتمان کاوی و کاربست آن در متون روایی. عیار پژوهش در علوم انسانی. ۲ (۲). ۱۰۰ - ۷۱.
- ابن‌بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صراحتی جویباری، مهدی و مرتضی محسنی (۱۳۹۵). عوامل مؤثر در ایجاد نقش ترغیبی زبان در قصاید ناصر خسرو. فصلنامه کاوش‌نامه. ۱۷ (۳). ۱۲۵ - ۶۵.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۱). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.
- طبری، احمد بن عبدالله (۱۳۵۶). ذخائر العقبی. قاهره: مکتبه القدسی لصاحبها حسام الدین القدسی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳ ق). تاریخ الطبری. لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- عقیلی تکیه، فرشته سادات و غفار برج‌ساز (۱۴۰۲). تحلیل روابط بینامتنی مضامین و مؤلفه‌های پایداری در غدیریه قوامی رازی و خطبه غدیر. مجله ادبیات دفاع مقدس. ۷ (۴). ۱۰۰ - ۸۷.
- عقیلی تکیه، فرشته سادات، غفار برج‌ساز و رسول محمدجعفری (۱۴۰۲). تحلیل روابط بینامتنی فهم و فضل در خطبه غدیر و غدیریه کسایی مروزی. مجله پژوهش دینی. ۲۲ (۴). ۲۰۴ - ۱۸۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مختاری، قاسم و غلامرضا شائقی (۱۳۸۹). بینامتنی قرآنی و روایی در شعر سید حمیری. فصلنامه لسان مبین. ۲ (۲). ۲۱۵ - ۱۹۷.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- مسبق، سید مهدی و حسین بیات (۱۳۹۱). روابط بینامتنی قرآن با نامه سی و یکم نهج البلاغه. *مشکوة*. ۲۸ (۴). ۴۳ - ۲۷.

- ابن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). *الأهالی*. قم: کنگره شیخ مفید.
- میرزایی، فرامرز و ماشاءالله واحدی (۱۳۸۸). روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر. *دوفصلنامه ادب و زبان*. ش ۲۵. ۳۲۲ - ۲۹۹.

- ابن حارث قبادیانی بلخی (ناصر خسرو)، ناصر بن خسرو (۱۳۵۷). *دیوان اشعار*. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.

- ناصری داوودی، عبدالمجید (۱۳۷۸). *تشیع در خراسان: عهد تیموریان*. مشهد: آستان قدس رضوی؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: سخن.

- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶). تأملی بر نظریه بینامتنیت رولان بارت. *روزنامه ایران*. ش ۳۷۶۰.

- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ ق). *کتاب سلیم بن قیس الهذلی*. قم: الهادی.